

بررسی تاثیروقف بر شکل گیری مدارس در ایران دوره اسلامی

جمال الدین مهدی نژاد^۱، مهین مقیمی^۲

چکیده

ارتقا سطح آموزش و فرهنگ یکی از اهداف واقفان برای کسب رضایت خداوندی و بهبود وضعیت جوامع است این مهم با احداث و وقف مراکز آموزشی یا قرار دادن موقوفاتی برای تأمین مخارج ساختمانی و انسای آن‌ها و تداوم فعالیت مراکز آموزشی و فرهنگی امکان پذیر می شود. موقوفات در تأسیس و تداوم حیات نهادها و مراکز فرهنگی اقتصادی و اجتماعی تأثیرات فراوانی داشته و توانسته اند در دوره های مختلف تاریخ منشأ حرکت های موثری مانند تأسیس مدارس و تأسیس مراکز علمی و تحقیقی شود. طبیعی است مطالعه و پژوهش در این زمینه می تواند راهنمایی مناسبی برای گسترش فرهنگ وقف و سوق دادن امکانات جامعه به سوی فراهم آوردن بسترهای مناسب آموزشی، تحقیقی و نظایر آن باشد.

این پژوهش که در قالب تاریخی- توصیفی مطالعه شده است بیانگر آن است که وقف چه تاثیراتی بر برنامه آموزشی و کالبدی مدارس در گذشته داشته است. این پژوهش نشان می دهد مراکز آموزشی عمدتاً در احداث و وقف مدارس علمیه و تأمین منابع مالی برای مخارج ساختمانی و انسانی آن‌ها به وجود آمده اند و در ایران دوره اسلامی، رونق موقوفات به شکوفایی فراوانی انجامید و بخش اعظم این موقوفات درآمد سرشار داشتند و همین امر سبب شکوفایی ساختار آموزشی و علمی دینی آن عصر گردید.

واژه های کلیدی: وقف، فضاهای آموزشی، مسجد- مدرسه، مدارس علمیه.

۴۹

شماره ۱-۷
بهار ۱۳۹۶
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

تبیین رنگ های متناسب با ریزفضاهای مسکونی بر پایه آموزه های اسلامی

۱. مقدمه

معماری اسلامی - ایرانی میراث گران قدری است که از نسل‌های گذشته به یادگار گرفته شده و نمونه‌های ارزشمند آن در نظام برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهرهای تاریخی ایران به خوبی قابل مشاهده و بازشناسی می‌باشند [۱]. فرهنگ و تمدن اسلامی و عناصر تشکیل دهنده آن به گونه‌ای است که در صورت شناخت عمیق و همه جانبه آن‌ها می‌توان حیات بخش این فرهنگ الهی جستجو کرد. سنت حسنه وقف یکی از عناصر و عوامل به وجود آورنده فرهنگ و تمدن اسلامی است که ثمرات علمی و فرهنگی فراوانی در توسعه جامعه و رفع نیازهای روز آن در طول تاریخ داشته است. به طور کلی نقش موقوفات در اسلام در سه مقوله عمده حائز اهمیت می‌باشد.

۱- طراحی محیط و فضاهای شهری ۲- محیط زیست و آبیاری ۳- ایجاد فضای سبز [۲] در کنار آثار بی شمار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخروی وقف جلوه فضایی آن به شکل نقطه‌ای، نواری و گسترده، چشم‌انداز فرهنگی حوزه‌های زیست شهری و روستایی را آرایش می‌دهد و از این بابت وقف در جغرافیای جهان بینی و جغرافیای فرهنگ شهرهای جهان اسلام و بالاخص کشور ما جایگاه والایی می‌یابد. در نظام جهان بینی اسلامی به صورت رکن مهم و پویایی به کار گرفته شده که از قوه‌های محرکه حفظ رشد معارف اسلامی و گرامی‌داشت مراسم مذهبی و نیز از جهاتی برآورنده نیازهای متنوع مادی انسانی در هر عصر و زمان در دنیا و موجب رستگاری او در جهان عقبی است. موضوع و املاک موقوفه می‌تواند از سنگ نبشته‌ای، باغ خانه، مسجد، مدرسه، تا عمارات مجموعه‌های وقفی و شهرهای وقفی برای تأمین مقاصد خداپسندانه شامل شود. بدین ترتیب وقف سیستمی لازم در تحقق برخی از ضرورت‌های دین است. در طراحی سازمان فضایی کارکردهای اساسی زندگی انسان می‌توان در سه حوزه اصلی مسجد یا حوزه‌های علمیه (فضاهای آموزشی) و ساختمان‌های دستگاه اجرایی حکومت و بازار حرکت کرد. یکی از انواع موقوفات، تأسیسات آموزشی و فرهنگی است که با ایجاد و تأمین هزینه‌های آن‌ها کمک به ارتقاء سطح دانش و پیشرفت جامعه می‌کند. این گونه موقوفات در دوره‌های مختلف تاریخ عمدتاً در آموزش علوم دینی و اواخر دوره پهلوی در علوم جدید نیز متجلی شده است.

۲. جهان بینی وقف

وقف یکی از عمده‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام است [۳]. سنت وقف از ارزش‌های جهان بینی دینی و مذهبی است که نقش بسیار موثری در شکل‌گیری

ساخت فضایی شهرهای دوره اسلامی به ویژه شهرهای ایران داشته است

۱-۲. نقش جهان بینی وقف در شکل‌گیری فضاهای عمومی شهری

با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند، می‌توان مشاهده نمود که عنصر وقف در آن‌ها نقشی به سزا داشته است [۴]. بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای در ایجاد آن‌ها احساس کنند توسط مردم ساخته می‌شدند. البته در مواردی دولتمردان نیز در احداث این گونه مجموعه‌های وقفی نقش ارجمندی در طول تاریخ ایران اسلامی داشته‌اند. وقف علاوه بر اینکه از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از نظر کالبدی در شکل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت برجسته‌ای داشته است. از نظر کالبدی نقش وقف رامی‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها آب انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده و پیگیری نمود. در ساختار فضایی شهرهای تاریخی و سنتی ایران مالکیت غالب بناهای با عملکرد عمومی که عموماً هم جزء میراث فرهنگی و تاریخی جامعه اسلامی به شمار می‌روند وقفی است. علل ماندگاری موقوفات در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد [۵].

۲-۲. نقش وقف در روند شکل‌گیری فضاهای آموزشی

در قرون اولیه عمدتاً مسجدها محل تدریس بودند و در واقع تا اواخر قرن سوم هجری فضایی خاص تعلیمات دینی وجود نداشت به تدریج از اوایل قرن چهارم به دلیل زیاد شدن تعداد طلابی که از سرزمین‌های دور برای دیدن استادی آمدند و به محل اقامت نیاز داشتند تداخل دو عملکرد آموزشی و مذهبی در بنایی واحد با مشکلات عدیده‌ای روبرو گشت و ضرورت ایجاد فضایی مستقل را محسوس ساخت. بدین ترتیب، مدارس از سوی نیکوکاران و سلاطین در پاره‌ای از شهرها همچون بخارا، بلخ، نیشابور، غزنه و برخی دیگر برپا گردیدند. مدرسه بیهقیه^۱ و مدرسه سعدیه در نیشابور، از این مواردند که در آن‌ها - علاوه بر فضای تدریس - حجره‌هایی برای سکونت

طلاب و موقوفاتی برای تامین مخارج مدرسه در نظر گرفته شده بود. این مدارس خصوصی در مراحل نخست، متشکل از خانه‌ی هراستاد به عنوان محل تدریس وی به دانشجویانش بود. در این شرایط مراقبت و اداره مدرسه به وسیله‌ی فردی که احتمالاً هم مؤسس آن بود و هم مدرس آن، انجام می‌پذیرفته و این امر به عنوان سنت خانوادگی از نسلی به نسلی منتقل می‌گردیده است، [۶]. همچنین تا پیش از قرن چهارم هجری در زمینه تاسیس خانه‌های رایگان برای دانشجویان فعالیتی نشده بود. کهن‌ترین خبری که در این باب به ما رسیده است اقدام امام محدث «ابوحاتم بن حبان بستی» (۳۵۴ هجری) است، که منزلگاهی برای استفاده دانشجویان غریب که نزد وی تحصیل حدیث و فقه اشتغال داشتند در نظر گرفت و برای آنان از دارایی خود خوراک و مخارج روزانه برقرار ساخت [همان]. همچنین غنیمه از مقریزی نقل می‌کند در ۳۸۷ هجری، خلیفه «العزیز بالله فاطمی» به اشاره وزیر خود «یعقوب بن کلس»، خانه‌ای را در «جامع الازهر» مصر برای فقها تاسیس کرد و ارزاقی کافی برای شان مقرر کرد.

بنابراین، در پی تاسیس مدارس در قرن چهارم، نقطه عطفی در زندگی دانشجویان ایجاد شد و در حقیقت موجبات یک نوع بیمه اجتماعی فراهم گردید و این به دلیل حقوق‌های معین و روزی مستمری بود که اوقاف به این طبقه اختصاص داده بود. در قرن پنجم هجری نیز هنگامی که مدارس نظامیه بنیاد یافتند، نظام الملک اعلام داشت که آموزش سراسر رایگان است و گذشته از آن برای دانشجویان کمک هزینه تحصیلی منظمی برقرار ساخت [۷]. در نظامیه‌ها هزینه‌ای هم برای مدرسان پرداخت می‌شد. این هزینه بر اساس معلومات و رتبه علمی آن‌ها بود؛ چنان که در «بدایع الزمان» در شرح سلطنت سلطان «محمد بن ارسلان شاه» در کرمان آمده است:

”در اول سلطنت، تربیت علما و فقها و اهل هنر کردی، چون مدارس ساخت و اوقاف گران بفرمود و مقرری طلبه بر آن قرار داد... و هر کس که قدوری یاد گیرد، صد دینار آقچه، در دست همت خود واجب کردم که هر سال به وجه ادارار رسانیم و اگر جامع الصغیر یاد بگیرد پانصد دینار بدهیم و اگر جامع الکبیر یاد بگیرد هزار دینار به وی رسانیم تا بدین امید، هزار مرد، فقیه و مفتی شدند.» [۸]

بعد از سلاجقه در دوران ایلخانیان نیز سنت وقف ادامه یافت، «غازان خان» در این دوران با پذیرش اسلام، برنامه اصلاحات پر دامنه‌ای راه انداخت و اقتصاد مملکت رازنده

کرد و برای تاسیس شمار فراوانی از بناهای جدید، به ویژه بناهای مذهبی، مبالغ هنگفتی در نظر گرفت؛ وی دستور داد در راه‌های اصلی کاروانسراهایی برپا دارند و در شهرهای مختلف حمام‌های عمومی بسازند و عواید آن‌ها را موقوفه مساجد ساخته شده، کنند [۹]. مرکز ربع رشیدی یکی از مجموعه‌های آموزشی بود که آموزش ابتدایی و عال را برای طلاب هر دو سطح مسیری ساخت؛ در دارالحفاظ و بیت‌التعلیم، کودکان یتیم و فرزندان کارکنان ربع تحت تعلیم آموزش ابتدایی که منحصراً به آموزش قرآن بود قرار می‌گرفتند. در دارالشفانیز طلاب علم طب می‌آموختند [۱۰]. «خواجه رشیدالدین فضل‌الله»، وزیر غازان خان، در «ربع رشیدی» در تبریز، کوچه‌ای را اختصاص داد. وی در نامه‌ای در «مکاتبات رشیدی»، نوشت:

«مردم از هر شهر و مملکت به بنیاد مزبور منتقل شده‌اند... و در میان آنان ۲۰۰ قاری قرآن است... و به ۴۰۰ تن از علما و حکما و فقها و محدثان در کوچه‌ای که به نام خیابان علما موسوم است، مسکن داده‌ایم و به همه آنان مقرری روزانه و مستمری و هزینه سالیانه اعطا شده است» [۱۱].

این سنت در دوران تیموریان نیز دنبال شد، اما در دوره صفویه به اوج خود رسید. با به حکومت رسیدن صفویان، مدارس با انگیزه‌های جدیدی رشد و توسعه یافت. یکی از شاخص‌های سلسله صفوی، که تحولات سیاسی-اجتماعی و مذهبی شگرفی را در ایران رقم زد، رسمیت یافتن مذهب تشیع بود، نیاز تبلیغی برای ترویج تشیع در کشور پهناوری که تا پیش از این دست کم رسماً زیر نفوذ اهل سنت بود. در بعد مذهبی متعصب که دشمن صفویان بودند، ایجاد تشکیلات سازمان یافته روحانیون برای ترویج و تحکیم مبنای عقیدتی شیعه امامیه را ایجاد کرد. از این رو حکومت صفوی به مدرسه همچون عامل تغذیه‌کننده و پشتیبان عقیدتی برای پیشبرد اهداف مذکور توجه کرد و آن را رشد و توسعه بخشید. همچنین شاهان صفوی به موضوع تعلیم و تربیت علاقه نشان می‌دادند؛ در زمان «شاه سلطان حسین»، او به رغم ضعف شخصی در اداره حکومت، علاقه و افرادی به علم و تعلیم و تربیت داشت و از این جهت سرآمد صفویان بود. او یکی از حجره‌های مدرسه چهارباغ را به خود اختصاص داد و به طور منظم در جلسات بحث و نظر شرکت می‌جست [۱۲]. تحول دیگر در عهد صفوی، استقلال نسبی مدارس بود، سنت قدیمی وقف روشی بود که با آن مدارس می‌توانستند استقلال نسبی خود را از دربار حفظ کنند. برای تامین هزینه‌های مدرسه، موقوفاتی بدان منضم می‌شد که از محل درآمد آن‌ها مخارج مدرسه و مستمری

شاگردان عاید می‌گردید و این باعث می‌شد که پیش از تشکیل سازمان و اداره‌ای برای تعلیم و تربیت، مردم خود به ساخت و احداث مدرسه و مکتب می‌پرداختند و آن را وقف مسلمانان می‌کردند و شرایط مدرس و متولی و طلبه و کتب مورد تدریس و نحوه‌ی دخل و خرج آن را مشخص و مدون می‌ساختند. اوج رقابت میان واقفان در عهد صفوی به قدری زیاد بود که در اواخر عهد صفوی در اصفهان سایر ولایت اطراف به جست و جوی زمین‌هایی برای وقف مساجد و مدارس بروند و هنوز نیز بعضی املاک مهم اطراف کاشان وقف مدرسه سلطانی اصفهان (مدرسه چهارباغ) است [۱۳]. «شاردن» در گزارش خود در مورد نحوه احداث موقوفات برای مدرسه چنین می‌آورد:

«... اولین قدم معمولاً احداث کاروانسرا بود که خود درآمد قابل توجهی را عاید می‌ساخت. سپس حمام، قهوه‌خانه، بازار و باغ نیز بدان افزود می‌گردید. در نهایت مدرسه‌ای برپا می‌گشت و از محل درآمدهای این موقوفات هزینه‌های آن تأمین می‌شد» [۱۴].

«کمپفر» به رقابت شاه و رجال و ثروتمندان کشور در ساختن تأسیسات عام المنفعه و اختصاص موقوفات و اداره آن‌ها اشاره می‌کند [۱۵]. به طول معمول، تمام جزئیات اداره مدرسه از انتصاب تولیت آن تا میزان حقوق طلاب و کارکنان و در مواردی حتی موضوعات درسی در وقف نامه‌ها ذکر می‌گردید. بدین ترتیب سنت وقف باعث خودکفایی مالی و در نتیجه استقلال نسبی در مدارس می‌شد. همین امر باعث گردید تا به رغم ضعف و انحطاط نسبی حکومت و دستگاه اداری جامعه در اواخر عصر صفوی و ادوار پس از آن، مدارس کماکان فعالیت آموزشی خود را ادامه دهند.

در دوران قاجاریه تا پیش از احداث مدارس به سبک جدید به وسیله خارجی‌ها و حتی پس از آن آموزش عمدتاً در مکتب‌خانه [۱۶]. در سطح ابتدایی [۱۷]. و مدارس علمیه در سطح عالی صورت می‌گرفت که هر دو این نهادهای غیردولتی زیر تأثیر جو مذهبی به تدریس علوم دینی می‌پرداختند. با این وجود، مدارس علمیه از اقبال بیشتری برخوردار بودند هر چند مدارس علمیه این دوره نقایصی چون نداشتن نظام آموزشی واحد و نظام مند، نارسایی و نامناسبی آموزش علوم دینی و اداره آن بر اساس رابطه و همکاری استاد و شاگردی داشتند، تنها در این دوره دو مکتب‌خانه وقف شده است که یکی را محمد حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۷ ق و دیگری را عیسی وزیر سابق دارالخلافه وقف کردند و موقوفاتی برای آن‌ها به علاوه مساجد و مدارس علمیه وقفی خود

قرار داده‌اند. در مقابل تعداد بسیار مدارس علمیه و موقوفات فراوانی که برای ادامه فعالیت آن‌ها اختصاص داده شده وجود دارد. شاید بتوان توجه به مدارس علمیه و بی‌توجهی به مکتب‌خانه‌ها را بنا به اشکالات ساختاری مکتب‌خانه‌ها دانست. یعنی کمیت و کیفیت پایین برنامه‌های درسی، دشواری کتابهای مورد تدریس از نظر زبان نگارش و حجم، درک نادرست مفاهیم به علت شیوه آموزش طوطی وار، سطح هر مکتبی به سطح سواد آخوند باجی‌ها، میرزا باجی‌ها، ملا باجی‌ها، خان باجی‌ها و شاه باجی‌ها، بستگی داشت که عمدتاً سطح سواد پایینی داشتند که سبب می‌شد مردم به مدارس خارجی گرایش پیدا کنند، رفتار نامناسب معلمان با شاگردان، تأثیر کم شاگردان فارغ التحصیل بر محیط اجتماعی خود (هر چند که تحصیل کرده‌های ایران تا سال ۱۲۶۶ ق نخستین مرحله نیز متجلی شده است. آموزش در دوره قاجاریه تا تأسیس مدرسه دارالفنون زیر تأثیر جو مذهبی حاکم عمدتاً محدود به علوم دینی بود. توجه به علوم عقلی پس از تأسیس این مدرسه و اعزام دانشجو به اروپا و ارتباطات و تعاملات بیشتر با غرب در سطح مدارس به سبک جدید مطرح شد. بر این اساس در بخش اعظم دوره قاجاریه چنانچه افرادی خواستار تحصیل در علوم عقلی و جدید چون حساب، هندسه، جغرافیا، شیمی و غیره بودند به سختی می‌توانستند کتابهای مربوطه را در ایران تهیه کنند [۱۸] و باید برای ادامه تحصیل به اروپا می‌رفتند. هر چند دانش آموزان اعزامی به اروپا به علت ضعف ساختاری آموزش خود نمی‌توانستند موفقیت‌چندانی در مجامع آکادمی اروپا به دست آورند و بعضی از آن‌ها به صورت تجربی آموزش می‌دیدند [۱۹].

و احداث مدرسه دارالفنون، مجتمع صنایع الماسیه و مجتمع صنایعها و نیز مدارس علمیه به سوی آموزش در سطوح دیگر ایجاد کند. البته به جز عامل مذهب، عوامل دیگری چون کم‌توجهی مردم به مشاغل تولیدی و فنی و غلبه اقتصاد تجاری می‌تواند در این مهم موثر بوده باشد. اماکن آموزشی وقفی دوره قاجاریه تا قبل از ایجاد مدارس علوم جدید شامل عمدتاً مدارس علمیه و به میزان بسیار کمتر مکتب‌خانه می‌شود. از سال ۱۳۱۶ ق به بعد وقف مدارس علوم جدید نیز جزو مراکز آموزشی وقفی قرار گرفت و مدارس علمیه موقوفاتی نیز برای اداره‌ی آن‌ها توسط واقفان یا افراد دیگر قرار داده شد. روند وقف اماکن آموزشی در حد وزارت آموزش و پرورش، پرورشگاه و دانشکده (مانند دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)، مکان‌هایی برای توسعه و فرهنگ ایرانی اجرای فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و رفاه اساتید و دانشجویان

نیز وقف شده‌اند. در دوره پهلوی عمل به وقف با انگیزه یا هدف مذهبی نیز تداوم داشته و هرچند بروقف برای آموزش علوم جدید افزوده شد از تعداد وقف برای آموزش علوم دینی کاسته شد [۲۰].

۳. تأثیرات وقف بر مدارس

۳-۱. تأثیرات وقف بر برنامه و فضای آموزشی

در بسیاری از وقف‌نامه‌های مساجد به جز تعمیرات و امور مربوط به مساجد، کارهای خیر دیگری چون: اطعام فقیران، وعظ و خطابه، تعلیم و قرائت قرآن کریم، تدریس علوم گوناگون و... نیز به عنوان موارد مصرف اوقاف مساجد ذکر شده است. از سایر کارکردهای وقف‌نامه‌ها می‌توان به برنامه آموزشی و شروط تشویقات و تنبیهات نیز اشاره کرد.

امیدبانی [۲۱] تا سیستمات آموزشی در ربع رشیدی را می‌توان به چند مقطع تقسیم بندی می‌کند:

بی‌التعلیم؛ ۲- آموزش حرفه‌ای؛ ۳- مدارس عالی؛ ۴- دارالشفاء؛ ۵- خانقاه. در این وقف‌نامه مکان هر کدام از فضاهای مجموعه در وقف‌نامه آمده است (نگاره ۱). محل بیت‌التعلیم که محل تحصیل کودکان کارکنان ربع و عده‌ای کودکان یتیم تبریز بوده است را خانه‌ای در روضه که بزرگترین خانهای روضه است بیان می‌کند و هر ۱۰ دانش آموز یک معلم داشته‌اند [همان، ۶۳] و یا در وقف‌نامه جایگاه حجره‌ها را نزدیک در خانقاه و جهت خانه‌های حفاظ معرفی می‌کند و بعضی دیگر را در بالای دارالشفاء، زیرزمین را در جنب گنبد و در برابر حمام توصیف می‌نماید [۲۲].



نگاره ۱ تعیین مکان دقیق فضاها در ربع رشیدی مطابق وقف‌نامه (منبع: طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی)

۳-۲. تعیین نحوه اداره مدارس و شرایط طلاب در وقف‌نامه‌ها

بانی هر مدرسه برای اداره مدرسه و موقوفات آن در مدرسه‌ها و مساجد، برای دانش پژوهانی که از شهرها و نقاط دور دست برای فراگرفتن علم آمده بودند، حجره‌هایی می‌ساختند تا از تحمل هزینه مسکن مصون بمانند. دیگر آنکه برای هر دانش پژوهی که پذیرفته می‌شد مقرری ماهانه و یا سالانه‌ای از محل درآمد موقوفه مدرسه تعیین می‌گردند تا بدون دغدغه خاطر برای تهیه غذا، به درس و بحث بپردازند مانند مدرسه نظامیه و صالحیه کازرون^۲، برای آنکه دانشجویان از مهم‌ترین وسیله تحصیل بی‌نیاز شوند، کتابخانه‌ای هم در مدرسه ترتیب می‌دادند. خواجه نظام‌الملک برای نخستین بار، تحصیل را در آن مدرسه رایگان ساخت و برای دانش پژوهان مقرری معین کرد. گاه در وقف‌نامه‌ها مشاهده می‌شود، در مورد نحوه اداره مدرسه و آنچه متولی انجام می‌دهد، شرایطی تعیین شده است. به طور نمونه، در وقف‌نامه مدرسه «کاسه گران» قید شده است که متولی در حین این که حجرات مزبوره را به طلبه می‌دهد اولاً باید تحقیق احوال ایشان نماید که به غیر از تحصیل علوم دینی به کسب دیگر مشغول نباشد و اگر احدی از ایشان متأهل باشد شرط نماید که در هفته چهار شب، در حجره مدرسه که مختص اوست بیتوته نماید [۲۳]. وی در ازای شرطی که قرار داده فکر معاش طلاب را نیز کرده است؛ درجایی دیگر از وقف‌نامه گفته: «هر یوم مبلغ پنجاه دینار به طلبه سکنه هر حجره از حجرات مدرسه مذکور دهند و اگر حاصل موقوفات زیاده از حجره‌ای پنجاه دینار باشد، دو شخص را در یک حجره جای داده، هر حجره هر یوم مبلغ یک صد دینار تبریزی رسانند» [همان]. معمولاً حقوق طلاب به صورت سرانه پرداخت می‌شد و یا اینکه به هر حجره مبلغی معین تعلق می‌گرفت؛ در وقف‌نامه مدرسه چهارباغ که در ۱۱۱۸ ه. ق که کار ساختمان در حال اتمام بود، قید شده است که «حجره‌ای یکصد دینار تسلیم ساکنان آن‌ها نماید، خواه در آن حجره یک نفر، خواه دو نفر ساکن باشند» [۳۱]. گاهی نیز میزان مقرری به طول یکسان تقسیم نمی‌شد، بلکه بر اساس پیشرفت علمی آن‌ها بود.

واقفان و بانیان به مواردی از قبیل شرایط احراز منصب استادی و تدریس، میزان حقوق و شرح وظایف و نذورات قابل تقسیم بین آنان، شرایط ادامه سکونت طالبان علم در مدرسه و علوم و متون مورد تدریس نیز پرداخته‌اند.

در وقف‌نامه مدرسه صالحیه کازرون چنین آمده است: «هر ماه مبلغ پنج هزار دینار که سالی شش تومان باشد و وظیفه‌ی مدرس به او رساند و هر سال مبلغ سی تومان و دو هزار و چهارصد دینار وظیفه هفتده نفر ملا، اعلی، پنج نفر هر ساله مبلغ ده تومان و هشت هزار دینار؛ چنانچه هر روز سیصد دینار رسد و هر نفری شصت دینار باشد و اوسط شش نفر، هر ساله ده تومان و هشت هزار دینار؛ چنانچه وظیفه هر نفری در هر روز پنجاه دینار باشد و ادنی شش نفر، هر سال هشت تومان و شش هزار و چهارصد دینار؛ چنانچه هر نفری، روزی چهل دینار باشد مهم‌آزی هر یک بلا‌توقف و لامسامحه نماید و هر ساله مبلغ دو تومان و یک هزار و ششصد دینار چنانچه روزی شصت هزار دینار باشد وظیفه یک نفر خادم و هر سال مبلغ شش هزار دینار تبریزی وظیفه مؤذن و مبلغ یک تومان در مصرف فرش و روشنایی مسجد داخله در مدرسه و اجرت سقا صرف نماید [۲۴].»

در وقف‌نامه ربع رشیدی به جزییاتی نظیر شرح وظایف کلیه‌ی کارکنان از بواب (دربان) و آشپز گرفته تا مدرسان، طلبه و سه مقام ارشد یعنی متولی، ناظر و مشرف، پرداخته و دقیقاً تعیین شده است [۲۱]. و در مورد وضعیت تاهل دانشجویان و مدرسان نیز صحبت شده است؛ بدین ترتیب که مدرسان مجرد در بخش روضه و در حجره‌های ویژه‌ی استادان و شهرستان رشیدی و محله صالحیه، محل سکونت کارکنان ربع رشیدی و خانواده‌های آنان بود و افراد تنها در مواقع ضروری و با اجازه‌ی متولی، حق خروج از ربع و تردد در شهر و روستاها را داشتند. از آنجا که این شرط برای کارکنان متاهل وجود نداشته به نظر می‌رسد که دلیل وضع آن، جلوگیری از فساد و اتلاف وقت دانشجویان و اساتید مجرد و راهیابی آن به داخل ربع بوده باشد [۱۰]. در این وقف‌نامه به کتابخانه و نحوه امانت دهی کتب نیز اشاره و گفته شده که کتابهای وقفی را نباید جز با گروهی سنگین باندازه بهای کتاب از کتابخانه بیرون برد و جز با گروهی به اندازه دو برابر آن نمی‌توانند از ربع رشیدی خارج و از خود شهر تبریز هم نباید خارج نمایند. گویا وقف‌نامه رشیدی به عنوان نمونه برای وقف‌های عمده در ایران استفاده می‌شد، مانند وقف‌نامه سهدیه بیدگل و کاشان [۲۵].

در دوره صفویه و با رسمی شدن مذهب شیعه دوازده امامی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی در همه‌ی سطوح، به ویژه مدارس، به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزش تحت تأثیر این مذهب قرار گرفت. در مدارس نوبنیاد، با مورد توجه قرار گرفتن متون شیعی، فقط طلاب شیعه می‌توانستند در این مدارس تحصیل کنند. برای نمونه

در مدرسه‌ی جده کوچک در اصفهان آمده است «وقف موبد بر علمای علوم یقینیه از فرقه حقه اثنا عشری». در وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی مقیمیه شیراز نیز واقف چنین شرط کرده است: «وقف بر طالبان حق امیامیه و طالبان علوم دینی و معارف یقینیه امامی المذهب متمسکین به ولاء ائمه معصومین» [۲۶]

۳-۳. تعیین محتوای درسی در وقف‌نامه

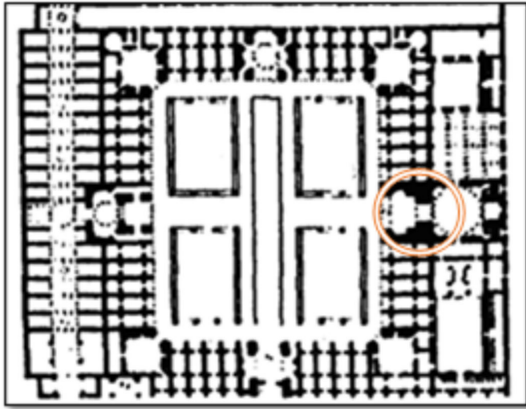
نکته جالب توجه در این وقف‌نامه‌ها آن است که صرف نظر از موارد یاد شده، بانیان مدارس در مورد محتوای دروس نیز نظر داده‌اند. به عنوان نمونه در وقف‌نامه مدرسه چهار باغ در باب وظایف مدرسان و طلاب مدرسه باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت (ع) تفسیر، قفه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند، و نیز هر یک از طلاب باید به قدر متعارف و مهعود به این درس‌ها مشغول بوده، حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتاب‌های مشهور احادیث اهل بیت (ع) باشد. در قسمتی از وقف‌نامه آمده است که طلاب باید از مباحثه کتاب‌های حکمت و آثار مربوط به تصوف در مدرسه احتراز نمایند [۱۰].

امیدیانی [۱۳] معتقد است در ربع رشیدی شرایطی جهت ورود دانشجویان در نظر گرفته می‌شد، سنجش استعداد و سپس تعیین رشته‌ی تحصیلی نیز انجام می‌شد. رشیدالدین در وقف‌نامه تأکید می‌کند حتماً محصلان باید در رشته‌ی تحصیلی مستعد باشند چنانکه در قسمتی از یک نامه مکتوب [۵۱] می‌نویسد:

«... ما تعیین کردیم که هر طالب علم پیش کدام مدرس تحصیل علم کند و دیدیم که ذهن هر طالب علمی از طالب علمان معدود، مستعد کدام علم است از فروغ و اصول نقلی و عقلی، به خواندن آن علم امر فرمودیم...» این تعیین تکلیف از توصیه در ربع رشیدی گذشته و اجازه‌ی جستجو پیرامون مباحث فلسفی را برای مدرسان و معیدان ممنوع کرده بود و اگر فردی در این باب کنکاش می‌نمود، به کارش نمی‌گرفتند^۲.

۳-۴. تعیین مدت زمان تحصیل در وقف‌نامه‌ها

در مورد اکثر مدارس گفته می‌شود که هیچ‌گونه قید زمان برای اتمام تحصیل وجود نداشته است، اما با مطالعه وقف‌نامه می‌توان دریافت که برخی از واقفان به این نکته مهم توجه داشته‌اند و برای اقامت در مدرسه شرط زمانی معین کرده‌اند: در وقف‌نامه رشیدالدین مدت تحصیل را برای دانشجویان به پنج سال محدود کرد و اگر دانشجو



نگاره ۳ پلان مدرسه چهارباغ اصفهان (منبع: گنجنامه)



نگاره ۲ پلان مسجد مدرسه شفیعیه (منبع: گنجنامه)

به درون صحن و ایجاد اخلاص در زندگی آرام طلاب نباشند. در مدرسه شفیعیه نیز می‌توان دید که به ورودی به شبستان از هشتی است و نمازگزاران عمومی بدون وارد شدن به صحن، وارد شبستان می‌شوند (نگاره ۳).

در نهایت با نگاهی به وقف‌نامه‌ها می‌توان گفت، فضا و فعالیت مدرسه‌ها از زندگی اجتماعی و مذهبی جدا و منفک نبود، بلکه در روزهای خاصی برای انجام مراسم عمومی به روی همگان باز می‌شد و در برخی از مدارس اوقات خاصی برای وعظ همگان اختصاص می‌یافت. این عملکرد در کنار دو نکته قبلی (عبادت و آموزشی) اهمیت محوری مدرسه را به عنوان بنای چند منظوره در بافت شهری خاطر نشان می‌سازد. در حالی که امروزه ارتباط میان مدرسه و محیط اجتماعی از نکات مورد توجه است (مدارسی که ارتباط خود را با شهر حفظ کنند و خدمات عمومی‌تری بدهند، همچنین دانش‌آموزان را با فعالیت‌های اجتماعی آشنا کنند). به طور خلاصه می‌توان گفت قائل شدن عملکردهای عمومی برای این مدارس و تاکید بر این امر در وقف‌نامه‌ها، باعث تداوم ارتباط آن‌ها با جامعه و باعث پایداری هرچه بیشتر آن‌ها خواهد شد. از نکات مورد توجه دیگر در وقف‌نامه‌های مدارس، این است که از درآمد موقوفات، نخست مقداری را که مربوط به حفاظت و نگهداری اصل وقف می‌شد کنار می‌گذاشتند و سپس حقوق هریک از افراد را بر حسب متن وقف‌نامه یا عرف جاری می‌پرداختند [۲۸]. این امر باعث می‌شد، مجموعه‌هایی که رقیبات آن‌ها (مثل کاروانسراها و بازار که عایدات آن‌ها صرف موقوفه می‌شوند) در کنار موقوفه مدرسه واقع هستند، به صورت مستقل و پایدار بمانند و سال‌ها موقوفه خود را حفظ کنند.

نمی‌توانست در این مدت به درجه‌ی علمی مورد نظر برسد، او را بدون مدرک فراغت از تحصیل، از مدرسه اخراج می‌کردند.

در وقف‌نامه از عملکردهای مختلف مدارس سخن گفته شده است: هر چند مدارس دارای عملکرد آموزشی و هم براساس شرایط وقف‌نامه، جنبه عمومیت و کارکردهای اجتماعی از مدارس دارای عملکرد آموزشی بودند ولی همان طور که در مدرسه مریم بیگم دیده شد، این آموزش در چارچوب مسائل مذهبی صورت می‌گرفت. لذا در مدارس، محلی به عنوان نمازخانه اختصاص می‌یافت. اما این نمازخانه‌ها در اغلب موارد عمومیت نداشت و مختص ساکنان مدرسه بود. از طرفی هم براساس نیاز به وجود آرامش در چنین محیط‌های آموزشی و هم براساس شرایط وقف‌نامه، جنبه عمومیت و کارکردهای اجتماعی از مدارس سلب می‌گشت [۲۷]. مگر در پاره‌ای از مدرسه‌های بزرگ که کارکرد عبادی آن‌ها بر کارکرد آموزشی‌شان تفوق داشت که اصطلاحاً به آن‌ها مسجد - مدرسه گفته می‌شود؛ مانند مسجد - مدرسه چهارباغ اصفهان، باغ این نکته در وقف‌نامه در مدرسه شفیعیه نیز دو فضا به مسجد اختصاص داده شده: یکی از این فضاها با لفظ «چهار صفحه» پشت ایوان غربی (نگاره ۲) به عنوان یکی از دو مسجد موجود در مدرسه مذکوره و شبستان که آن، بر کتیبه می‌توان گفت کالبد این دو بنا نیز کاملاً جوابگوی این نیاز بود و به گونه‌ای نبود که با چند منظوره شدن و کاربری‌های اضافه، آرامش فضای مدرسه مختل شود و یاد درس و بحث طلاب علم با اشکال مواجه گردد. مثلاً در مدرسه سلطانی (چهارباغ) به دلیل وجود ورودی مجزا در ضلع جنوب غربی مدرسه، دسترسی آسان به نمازخانه برای عموم ممکن می‌شد و فضاهای بهداشتی و وضوخانه نیز در نزدیکی نمازخانه ساخته شده بود تا کسانی که از بیرون بنا برای اقامه نماز مراجعه می‌کنند ناگزیر از رفتن

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاشی است در بررسی اهمیت وقف و تأثیر آن بر مراکز آموزشی. سیر شناخت و تحول مراکز آموزشی با شیوه‌های متبع در متون تاریخی و وقف‌نامه و غور در ماهیت شناسی مدارس و سازمان فضایی آن‌ها است. این پژوهش نشان می‌دهد مراکز آموزشی عمدتاً در احداث و وقف مدارس علمیه و تأمین منابع مالی برای مخارج ساختمانی و انسانی آن‌ها به وجود آمده‌اند و در دوره صفوی، رونق موقوفات به شکوفایی فراوانی انجامید و بخش اعظم این موقوفات درآمد سرشار داشتند و همین امر سبب شکوفایی ساختار آموزشی و علمی دینی آن عصر گردید. به طور کلی می‌توان تأثیرات وقف را بر مدارس این‌گونه بیان کرد:

سنت وقف روشی بود که مدارس از آن طریق می‌توانستند استقلال نسبی خود را از دربار حفظ کنند. تأمین هزینه‌های مدرسه، از محل درآمد رقبات متصل به موقوفه باعث می‌شد پیش از تشکیلات سازمان و اداره‌ای برای تعلیم و تربیت، مردم خود به ساخت و احداث مدرسه و مکتب بپردازند. با این کار بر مردم‌واری بناها تأکید می‌گردید و این امر باعث پایداری بیشتر بناها در طول زمان می‌شد. در وقف‌نامه‌ها علاوه بر شیوه مصرف درآمد موقوفه‌های نکات مهمی از کاربرد و نظام اداره و برنامه آموزشی مدارس ذکر می‌گردید و گاه در مورد نحوه اداره مدرسه و آنچه متولی انجام می‌دهد، شرایطی تعیین شده است. حجه‌هایی می‌ساختند تا از تحمل هزینه مسکن مصون بمانند و واقفان و بنیان به مواردی از قبیل شرایط احراز منصب استادی و تدریس، میزان حقوق و شرح وظایف و نذورات قابل تقسیم بین آنان، شرایط ادامه سکونت طالبان علم در مدرسه و علوم و متون مورد تدریس نیز پرداخته‌اند، در مورد محتوای دروس نیز نظر داده‌اند، و بعضاً برای اقامت در مدرسه شرط زمانی معین کرده‌اند، از عملکردهای مختلف مدارس سخن گفته شده است، هر چند مدارس دارای عملکرد آموزشی و هم‌براساس شرایط وقف‌نامه، جنبه عمومی و کارکردهای اجتماعی از مدارس دارای عملکرد آموزشی بودند ولی همان‌طور که در مدرسه مریم بیگم دیده شد، این آموزش در چارچوب مسائل مذهبی صورت می‌گرفت. لذا در مدارس، محلی به عنوان نمازخانه اختصاص می‌یافت. اما این نمازخانه‌ها در اغلب موارد عمومیت نداشت و مختص ساکنان مدرسه بود. از طرفی هم براساس نیاز به وجود آرامش در چنین محیط‌های آموزشی و هم براساس شرایط وقف‌نامه، جنبه عمومی و کارکردهای اجتماعی از مدارس سلب می‌گشت. مگر در پاره‌ای از مدرسه‌های بزرگ که کارکرد عبادی آن‌ها بر کارکرد آموزشی شان تفوق داشت که اصطلاحاً به آن‌ها مسجد - مدرسه گفته می‌شود. به دلیل تطابق نظام آموزشی با کالبد فضاهای آموزشی و چندمنظوره بودن

این بناها به خصوص در دوره صفوی، و هم به دلیل پشتوانه مالی که از طریق رقبات وقف‌ها تأمین می‌شده است، این بناها را پایدار می‌ساخت. با نگاهی به وقف‌نامه‌ها می‌توان گفت، فضا و فعالیت مدرسه‌ها از زندگی اجتماعی و مذهبی جدا و منفک نبود، بلکه در روزهای خاصی برای انجام مراسم عمومی به روی همگان باز می‌شد و در برخی از مدارس اوقات خاصی برای وعظ همگان اختصاص می‌یافت. این عملکرد در کنار دو نکته قبلی (عبادت و آموزشی) اهمیت محوری مدرسه را به عنوان بنای چند منظوره در بافت شهری خاطر نشان می‌سازد. توجه به حقوق اساتید و در نظر گرفتن دستمزد و مسکن از جمله وجوه نوآورانه مدرسه نظامیه است، توجه به جایگاه و رفع حوائج مادی آن‌ها، سبب افزایش نفوذ این طبقه نزد مردم و خلفا و سرمشقی برای مدارس و مراکز علمی پس از آن شد که شکل پیشرفته و سازمان یافته آن در ربع رشیدی مشاهده می‌شود. با عنایت به موارد فوق، وقف به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت‌کننده از پژوهش و پژوهشگران به منظور رسیدن به توسعه علمی و اقتصادی در جوامع اسلامی به خصوص در دوران شکوفایی تمدن اسلامی بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مدرسه معروف بیهقیه از کهن‌ترین مدارس نیشابور که حدود یکصد سال بر نظامیه قدمت و سبقت داشت تا سده ششم و حمله ترکان غز بر نیشابور همچنان دایر بود.
۲. بازخوانی یک وقف‌نامه: وقف‌نامه مدرسه صالحیه (کازرون)، نویسنده: شیخ الحکامی، عمادالدین، وقف میراث جاویدان: تابستان ۱۳۷۲ - شماره ۲ ص ۴۶-۵۳.
۳. برگرفته از وقف‌نامه ربع رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ (قسمت اسماعیلیان و فاطمیان...) به کوشش: محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۲۸، ص ۱۷۳.

فهرست منابع

- ۱- Khosravi M , Bemanian M, Seifian M. The rule seeks identity in shaping patterns of Islamic architecture. NAGSH-E-JAHAN. (۲۰۱۲); (۳): ۱۹.
- ۲- Bemanian M, A Survey on the Role of pious Foundations in Forming the Urban Spaces with Particular Reference to the Foundations of Isfahan Province. MODIRIYAT-E-SHAHRI. (۱۹۹۹); (۲۱): ۶۰.
- ۳- Alkabisi M, Sentences endowment in Islamic law: jurisprudence – Legal- Judicial. Translator: Sadeghigolda A. Publications Office Pilgrimage. (۱۹۸۵); (۲): ۳۱.

- ۱۸- Mostofi A, Description of my life (social and administrative history of the Qajar period). Zavar publishing. (۶۶ : (۴) ; (۱۹۹۸).
- ۱۹- Hashemian A, cultural developments in Iran in the Qajar period and school, academy. institute of geography and cartography cloud printing. (۳۲ ; (۲۰۰۰).
- ۲۰- Shahhosseini P, Dedicated to education from the perspective of cultural geography. Journal of Geography. (۱۸ : (۱۸) ; (۲۰۱۰).
- ۲۱- Omydyany S, Rabe-Rashidi, a large complex dedicated to scientific, educational. Tabriz (Ath century AH / ۱۳th century), in devoting, Eternal Legacy, Year VII. (۶۲-۵۷ : (۳) ; (۲۰۰۸).
- ۲۲- Oskoee A, Keynejad M, Noghrehkar A, Design assumptions and city Rabe- Rashidi. Soffeh magazine. (۵۸ : (۵۰) ; (۲۰۰۸).
- ۲۳- Endowments Department, The endowment letter of Kasehgaran school, Document No. ۱۷۳.
- ۲۴- Sheikh-al-hokamii E, Fetches an endowment letter: The endowment letter School Salehiye District (Kazerun). Eternal Legacy Endowment. (۵۰ : (۲) ; (۱۹۹۳).
- ۲۵- Daneshpazhuh M, The endowment letter Rabe Rashidi, literature and language. Yaghma, June. (۱۷۸ : (۲۸۵) ; (۱۹۷۲).
- ۲۶- Bakhshiostad M, Badkubeh A, Bayat A, The hadith and the impact of the intellectual currents of the Safavid era education in schools. Journal - Research Shia Studies, Year I. (۹۳ : (۴۰) ; (۲۰۱۲).
- ۲۷- Javery M, Introduction and implementation of school Shafiyeh the The endowment letter its current status, Proceedings of the Second International Congress of Iranian Architectural History; Bam, the efforts of Ayatollah Baqer Shirazi Cultural Heritage Organization. Tehran. (۴ : (۲) ; (۱۹۹۹).
- ۲۸- Hajebi B, Effects of school endowment sustainability of Safavi period. Journal Art University. (۲۲ ; (۲۰۱۱).
- ۴- Shahabi S, Foundations and endowments influence in shaping urban spaces theoretical framework. Geographical Research. (۱۴۰ : (۷۲) ; (۲۰۱۰).
- ۵- Ghadiri B, Rehabilitation devoted to culture, aimed at facilitating the lives of Complex Biological. soffeh Journal. Beheshti University. (۳۶ ; (۲۰۰۰).
- ۶- Ghanymeh A, Translator: Kasaii N, History major Islamic universities. yazdan publications. (۱۱۱ : (۱) ; (۱۹۸۵).
- ۷- Saboki T, Classes Alkbry Alshafyh. Husayniyah. (۳۰ : (۳) ; (۱۹۴۵).
- ۸- Kermani, Afazal-al-dinabuhamed, Afzal date. the efforts doctor Mehdi Bayani, Tehran University. (۴۱ , (۲) ; (۱۹۴۷).
- ۹- Blair S, Bloom J, Islamic Art and Architecture (۲). Translator: Azhand Y, Study and drafted Books Humanities (samt). (۵۰ : (۳) ; (۲۰۰۷).
- ۱۰- Alemzadh H, Riahi A, Training Nizamiyya in Baghdad and Rabe-Rashidi. jurisprudence, theology and the history of civilization. (۳۷ : (۱۹) ; (۲۰۰۹).
- ۱۱- Wilbur D, Islamic architecture in the Ilkhans's period. Translator: Fryar A. Scientific and Cultural Publications. [۶۲ : (۳) ; (۱۹۸۶).
- ۱۲- Samieazar A, History of developments in Iran from ancient times to the establishment of polytechnic schools. Agah Publication. (۷۵ : (۲) ; (۱۹۹۷).
- ۱۳- Sepenta A, History of endowment in Isfahan. General administration publication of Isfahan Endowments. (۱۱ ; (۱۹۸۵).
- ۱۴- Chardin J, Itinerary. Translator: Abbasi A, kabir A. (۲۳ : (۲) ; (۱۹۷۰).
- ۱۵- Kampfer E, Itinerary of Kampfer. Translator: Jahandari K. (۱۱ : (۳) ; (۱۹۸۴).
- ۱۶- Nokhostin M, History of Islamic origins of Education of West. translator: Zahiri A, Astan Quds Razavi. (۵۶ : (۲) ; (۱۹۸۸).
- ۱۷- Ghasemi P, New schools in the Qajar period. sponsors and leaders. center of academic publishing. printing. (۱۴ : (۱) ; (۱۹۹۸).

